****

[نظر مختار در حکم شک در اشواط سعی بعد از فراغ 1](#_Toc488169608)

[بررسی حکم شک در عدد اشواط سعی در اثناء 2](#_Toc488169609)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

جلسه شصت و یکم 28/10/93

## نظر مختار در حکم شک در اشواط سعی بعد از فراغ

بحث در شک در عدد اشواط سعی بود و گفته شد اگر بعد از انصراف عرفی، شک کند، قاعده فراغ جاری می شود، چون عرفا عنوان مضی عمل که موضوع قاعده فراغ است، صادق می باشد، و شخص می گوید در عمل گذشته ام شک کرده ام و این نقضی که گفته می شد اگر یقین می کرد که ناقص انجام داده، دیگر نمی گفت سعیم گذشته است، و معلوم می شود که مضی سعی نشده است تا موضوع قاعده فراغ صدق کند و کذلک فی الشک، این نقض صحیح نیست، به نظر ما در فرض علم به نقصان سعی نیز عرف می گوید که سعیم گذشت و بعد یقین به عدم اتمام سعی پیدا کردم.

کسانی که قائل به فراغ انصرافی هستند، گفته اند قاعده فراغ در حق شخصی جاری است که عادت به تاخیر نداشته باشد، اما اگر کسی عادت دارد در حمام پای چپ خود را بعد از استحمام غسل می دهد، این شخص اگر قبل از این که از حمام بیرون بیاید، شک کند که شاید غسل کامل انجام داده و پای چپ را نیز همان اول ورود به حمام، غسل داده باشد، این جا مضی غسل و فراغ از غسل صدق نمی کند، لذا بحث در جایی است که انصراف عرفی محقق شده و شخص بر تاخیر جزء اخیر عادت نداشته باشد.

بلکه به نظر ما می آید که حتی عنوان فراغ هم صادق است، می گوید ما از سعی فارغ شدیم و بیرون از مسعی آمدیم و بعد یقین کردیم که فقط پنج شوط سعی انجام داده ایم، بله، فراغ حقیقی هم داریم و می شود کسی بگوید شما فارغ از سعی نشده اید که مقصود فراغ حقیقی باشد، اما اطلاق فراغ در این موارد صدق می­کند، مثلا کسی که صبح غسل جنابت کرده و محدث به حدث اصغر هم نشده و بعد شک در جزء اخیر کند، عرف می گوید صبح فارغ از غسل شدیم و الان شک کردیم، لذا بعید نیست که عنوان فراغ هم در این جا صادق باشد، گرچه قطعا عنوان مضی، صادق است.

## بررسی حکم شک در عدد اشواط سعی در اثناء

یک فرض این است که می داند هفت شوط بجا آورده و نمی داند که آیا زیاده بر آن آورده یا نه و ما به استناد سه وجه حکم به صحت سعی کردیم.

ان قلت: از برخی روایات استفاده می شود که امتثال فریضه باید یقینی باشد و نه مشکوک، و به اعتماد استصحاب عدم زیاده سعی، نمی توان اتیان قطعی سعی واجد الشرایط نمود، مثلا در معتبره ابو ایوب خراز آمده: وَ عَنْهُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ الْخَرَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ فَرِيضَةٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ- فَلَا تُؤَدُّوا بِالتَّظَنِّي.[[1]](#footnote-1)

در باب نماز هم روایت می گوید دو رکعت اول نماز فریضة الله است و شک در آن ها راه ندارد و اگر شک شود، نماز باطل است.

لذا با ظن و گمان و استصحاب نمی توان تصحیح نماز کرد و همه شک بین دو و سه در نماز صبح را مبطل نماز صبح می دانند، در جایی که شک بین دو و سه باشد، ولی استصحاب عدم اتیان به رکعت ثالثه را کافی نمی دانند، فکذلک فی السعی.

معتبره اسحاق بن عمار: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ (عليه السلام) إِذَا شَكَكْتَ فَابْنِ عَلَى الْيَقِينِ- قَالَ قُلْتُ: هَذَا أَصْلٌ قَالَ نَعَمْ.[[2]](#footnote-2)

روایت چنین معنا شده که وقتی شک می کنی، بناء عملی بر یقین بگذار و کاری بکن که یقین به اتیان نماز صحیح پیدا کنی و لذا باید نماز احتیاط بخواند، نه این که استصحاب عدم زیاده کند.

لذا امام علیه السلام در شک در رکعات فرموده نباید رکعت متصله بیاوری، و گرنه یقین به عدم زیاده و صحت نماز حاصل نمی شود.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ مِنَ الصَّلَاةِ- عَشْرَ رَكَعَاتٍ وَ فِيهِنَّ الْقِرَاءَةُ- وَ لَيْسَ فِيهِنَّ وَهْمٌ يَعْنِي سَهْواً- فَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَبْعاً- وَ فِيهِنَّ الْوَهْمُ وَ لَيْسَ فِيهِنَّ قِرَاءَةٌ.[[3]](#footnote-3)

از مجموع این ادله استفاده می شود که فریضه، با ظن و شک و امثال آن قابل امتثال نیست.

قلت: ان الله فرض من الصلاة عشر رکعات و لیس فیهن وهم، ظاهرش این است که به هنگام اداء فریضه نباید شک داشته باشی، بلکه باید با حال یقین فریضه را بجا آوری و باید عدد رکعات فریضه را در هنگام اداء آن حفظ کنی، ما هم منکر آن نیستیم، و لیس فیهن وهم یعنی در هنگام اتیان رکعات فریضه نباید با حالت شک، رکعات را ادامه دهید و گرنه فریضه باطل می شود.

اما این که استصحاب عدم اتیان به رکعت سوم در شک بین دو و سه در نماز صبح جاری نمی شود، معلوم نیست که به سبب فریضه بودن نماز صبح باشد، روایت می گوید اذا شککت فی الفجر فاعد و اطلاقش شامل مقام نیز می شود، ما که از ملاکات احکام خبر نداریم.

شاهد بر این مطلب این که اذا شککت فی المغرب فاعد هم داریم، یعنی اگر بین سه و چهار شک کنیم نیز نماز باطل است، در حالی که رکعت سوم که فریضه نیست.

روایتی که گفت روزه ماه رمضان را با تظنی بجا نیاورید نیز باید توجیه شود، و گرنه لازمه اش این است که هیچ گاه فریضه را رجاء هم حتی نتوان انجام داد، مثلا اگر در نماز شک کند، همه گفته اند بنا بر یک طرف بگذارد و بعد سوال کند و اگر مطابق با وظیفه عمل کرده بود، نمازش صحیح است، در حالی که بنا بر این روایت، نماز باید باطل باشد، زیرا فریضه با حال یقین اداء نشده است.

اگر این روایت توجیه نشود، نتایجی دارد که فقهاء بعید است به آن ملتزم شوند.

به نظر ما تظنی به معنای اتباع ظن است و نه صرف مطابقت عمل با ظن، اتباع ظن یعنی ظن را محور و مستند کار قرار دادن، طبعا انسان نباید پیروی از ظن کند، فریضة الله هم خصوصیتی ندارد و به سبب اهمیت فرائض، مخصوص به ذکر شده است، و گرنه در سنن نیز نباید پیروی از ظن نمود و معنای روایت این می شود که در روز اول ماه رمضان بر اساس ظنون مثل شهادت منجمین، حکم به دخول ماه رمضان نکنید.

آیت الله سیستانی معنای دیگری در روایت قائل است و فرموده معنای تظنی، احتمال راجح نیست، بلکه تظنی به معنای اعتقاد ناشی از مقدمات غیر عقلائیه است، حکمت یونان بود که معنای لفظ علم و ظن را در لغت عربی تغییر داد و علم را اعتقاد جازم و ظن را اعتقاد غیر جازم معنا کرد، در حالی در لغت عربی، علم به معنای بصیرت است در مقابل ظن که به معنای عدم بصیرت است، این که قرآن می گویند کفار علم ندارند، اعتقاد جازم به مسیر خود که دارند، اما ناشی از مناشئ غیر صحیحه است و این ها بصیرت ندارند.

بر اساس این معنا برای تظنی، مقصود روایت چنین خواهد بود که با اعتقاد جازمی که ناشی از مناشئ غیر صحیحه و غیر عقلائیه است، حکم به دخول ماه رمضان نکنید.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص256، أبواب أن علامة شهر رمضان...، باب3، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/256/%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص212، أبواب وجوب البناء علی الأکثر عند الشک...، باب8، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/212/%D8%B3%D9%87%D9%88%D8%A7) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص124، أبواب استحباب اختیار التسبیح...، باب51، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/124/%D8%B3%D9%87%D9%88%D8%A7) [↑](#footnote-ref-3)